

سیاست کیفری ایران در راستای جرائم مالی و اقتصادی

در نظام حقوق جزایی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۱۲/۱۸)

دکتر حسین یاراحمدی^۱

سارا خامه ای

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

چکیده

جرائم مالی جرایمی هستند که در برابر اموال انجام می شود و دربرگیرنده تبدیل غیرقانونی مالکیت اموال (متعلق به یک نفر) به استفاده و منفعت شخصی است. جرائم اقتصادی بعضاً میتواند به نظام اقتصادی کشور لطمه جدی وارد نماید و اعتماد را در میان مردم از بین ببرد. لذا حساسیت اینگونه پرونده ها بسیار زیاد می باشد. جرائم اقتصادی از محدود جرائمی است که علیرغم سنتی بودن برخی از مصادیق آن، مورد توجه حقوقدانان در دهه های اخیر قرار گرفته است. شناسایی این مفاصد و جرم انگاری در خصوص آن از دغدغه های قوه مقننه کشورها است. واضح است قانونگذاری ایران در خصوص جرائم اقتصادی سیاستی منسجم و در چارچوب قوانین مصرح و مدون اتخاذ نموده و بر این اساس در حقوق کیفری ایران عنوان مستقلی به نام جرائم اقتصادی مشهود نیست و از طرفی گسترش پرونده ها و عدم تبیین جامع و مانع از این مفهوم در جرائم اقتصادی در نتیجه به تبع این خلأ تقنینی سیاست جنایی قضایی و اجرایی نیز با رویه های متفاوت و مراجع تصمیم گیری مختلف رو به رشد است. جرائم و مفاصدی چون رشوه اختلاس، قاچاق کالا، تجارت غیر قانونی ارز، جعل اسناد و مدارک (بویژه جعل اسناد و اوراق بهادار)، کلاهبرداریهای بزرگ اقتصادی، عدم پرداخت مالیاتهای صادراتی، پول شویی و دهها مفسده دیگر اقتصادی

به اشکال متنوع ظهور و خودنمایی کرده و این سازماندهی دارای خصایص متنوعی چون شبکه ای و بانندی بودن، سازمان یافتگی، کلان و عمده بودن و بویژه مبتنی بر تغییرات اجتماعی استوار گردیده است، بگونه ای که جملگی اوصاف جرایم یقه سفید ها که از آن به جرایم فسفری تعبیر می گردد را در این جرایم شاهد و ناظر هستیم و به عبارتی خصیصه و مؤلفه تمامی جرایم اقتصادی « حرفه گرایی مجرمانه » در تحقق آن می باشد.

واژگان کلیدی: جرائم اقتصادی، سیاست کیفری، سیاست جنایی ایران، پیشگیری از جرم اقتصادی

بخش اول: بررسی و شناخت واژه سیاست جنایی و گونه های مختلف آن

سیاست جنایی به طور مختصر و ساده عبارت است از درک و تدبیر مسائل جامعه؛ بنابراین تعریف سیاست جنایی از یک سو با تجزیه و تحلیل و فهم یک پدیده خاص در جامعه یعنی پدیده مجرمانه و از سوی دیگر با اجرای یک استراتژی به منظور پاسخ به موقعیت های بزهکاری یا کژمداری (انحراف) در ارتباط است. در واقع پدیده مجرمانه در معنای وسیع آن تنها از جوامع کیفری یعنی خلاف، جنحه و جنایت تشکیل نمی شود بلکه مجموعه رفتار و کردارهایی نیز می شود که صرف نظر از قانون جزاء، مخل نظم اجتماعی اند و در قالب عدم پذیرش و رعایت هنجارهای اجتماعی به وقوع می پیوندند. در برابر این رفتارها و کردارهای بزهکارانه یا کژمدارانه (مغرضانه) سیاست جنایی کوشش می کند تا پاسخ ها و واکنش هایی از نوع دولتی (رسمی) یا واکنش هایی که از جامعه ناشی می شود (غیر رسمی) را با رعایت اصول حقوق بشر امری که بی تردید باید با قاطعیت مترصد اجرای آن بود پیشنهاد نماید، بدین ترتیب سیاست جنایی تنها در چارچوب حقوق کیفری و آئین دادرسی کیفری یا جرم شناسی نمی گنجد، بلکه در یک طرح و استراتژی کلی یعنی در چارچوب سیاست اجتماعی یک کشور معین قرار می گیرد. و بدین ترتیب سیاست جنایی مدرن خواستار انتخاب پاسخها و

تدابیری علیه پدیده مجرمانه است که بخش اعظم آن توسل به رویکردهای پیشنهادی جرم شناسی پیشگیری می باشد.

بند اول: گونه های سیاست جنایی

مدلهای سیاست جنایی در واقع وسایل شناخت و ابزارهای عمل و اقدام هستند فلذا در این قسمت از بحث به طور مختصر انواع سیاست جنایی بررسی شده تا در مباحث آتی سیاست کیفری از سیاست جنایی متمایز گردد.

الف) سیاست جنایی تقنینی

سیاست جنایی تقنینی یعنی تدبیر و چاره اندیشی قانونگذار راجع به جرم یا به عبارتی سلیقه انتخاب قانونگذار در خصوص جرائم و مجازاتها که قانونگذار تحت تأثیر دیدگاههای جرم شناسی، جامعه شناسی، فلسفی، ایدئولوژی و غیره با ارائه چارچوب های قانونی در یک دوره مشخص تمهید خاصی را پیش رو می نهد.

ب) سیاست جنایی قضایی

برای شناخت سیاست جنایی راجع به یک موضوع علاوه بر شناخت نقش قانونگذار در تنظیم و ترسیم خطوط اساسی جرم انگاری و تعیین پاسخ ها باید به نقش سیاست جنایی در چگونگی درک و نحوه کاربرد خطوط ترسیمی قانونگذار نیز توجه داشت. اساس سیاست جنایی قضایی یک کشور را باید در نحوه نظارت و اجرای قوانین و نیز محصول کار قوه قضائیه شامل عملکرد، رویه، تصمیمات و احکام صادره دادگاهها ملاحظه کرد. با این توضیح که اگر قانونگذار بدون توجه به عرف و انتظارات عمومی جرم بداند، قاضی نیز که عضوی از اعضای جامعه است و چون در تعیین وصف مجرمانه تا حدودی اختیار دارد با استنباط از قانون در عمل برگردان های متفاوت به خود می گیرد و به صورت پنهان و تعبیر و استنباط قضایی در جهت همگانی با عرف جامعه حرکت می کند. از این رو عملکرد چنین قضاتی به نوعی در سمت و سوی جرم زدایی قابل استنباط است.

ج) سیاست جنایی اجرایی

در مفهوم جدید سیاست جنایی، بررسی سیاست ها و تصمیمات متخذه توسط قوه مجریه و ارکان آن در کنار سیاست جنایی قانونی و قضایی ضروری است. قوه مجریه اگر چه ابزار

کیفری در اختیار ندارد، ولی با در اختیار گذاشتن اهرم های نظارتی خاص و ضمانت اجرای اداری و نیز امکان ارائه لوایح خاص جهت تصویب در مجلس، قادر است نقش مهمی را در تنظیم سیاست جنایی و حرکت و پویایی آن عهده دار شود. با این همه بقیه نهادهایی که جنبه اجرایی و اداری دارند (مثل پلیس، سازمان زندانها، اداره گمرکات، اداره مالیات و...) نیز همگی می توانند نقش مهمی را در سیاست جنایی اعمال نمایند و در این وادی با تنوع مراجعی مواجهیم که راهکارهای آنها در جهت سمت و سوی سیاست جنایی قابل استنباط است. بدین ترتیب، مطابق این الگو پلیس نقش سازنده ای را می تواند در سیاست جنایی پیش رو بگیرد و با انتخاب و گزینش جرائمی که از نظر آنها در سطح جامعه اولویت دارد، سیاست جنایی خاصی را اعمال نمایند.

چ) سیاست جنایی مشارکتی

در سیاست جنایی مشارکتی که در حال حاضر می توان گفت بارزترین وجهه و مشخصه یک سیاست جنایی ایده آل را تشکیل می دهد از نقش مردم در زمینه مبارزه با پدیده مجرمانه بحث می شود. سیاست جنایی توأم با مشارکت مردم به معنای مستقل یا همراه با نهادها و مراجع دولتی می باشد. همبستگی نهادهای مردمی و شهروندان با دولت در مورد ماهیت، رسالت و اهداف سیاست جنایی مشارکت خودجوش یا سازمان یافته آنها در مراحل تدوین و اجرای آن، یعنی مشارکت در قانونگذاری و تعیین خط مشی های کلی در فرایندهای قضایی و غیر قضایی و پیشگیری خاص از تکرار یعنی اصلاح بزهکار و بویژه مشارکت فعال در اتخاذ و اعمال اقدام های اجتماعی صرفاً پیشگیرانه از ارتکاب جرائم، بیانگر سیاست جنایی توأم با مشارکت مردمی است

بخش دوم: وجوه افتراق جرائم اقتصادی با جرائم مالی با مداخله رد ارکان تشکیل دهنده جرایم اقتصادی

در قوانین کیفری کنونی ایران و در دکترین و رویه های قضایی، تعریف جامع و مانعی از جرم اقتصادی ظاهراً وجود ندارد و مصادیق آن به روشنی مشخص نشده است، با این همه همانطور که بیان کردیم، قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور مواضع و ملاک های خاصی را در پیش رو می نهد، چنانچه با لحاظ

عنوان قانون مزبور وجه مشترک مصادیق تصریح شده آن است که جرم اقتصادی به نحوی اخلال در نظام اقتصادی کشور را موجب می شود و رویکرد جرائم اقتصادی کلان است.

بند اول: بازتاب حقوق عرفی در جرائم اقتصادی

در واقع برخلاف جرائم مالی که در حقوق ایران پیشینه تاریخی فقهی و دینی دارد و علی الاصول منطبق بر شرع مقدس اسلام است (مانند سرقت، خیانت در امانت) اما تخلفات اقتصادی انطباق با تحولات نوین جوامع امروزی داشته و به عبارتی عملی هر چند ممکن است از لحاظ شرعی و دینی گناه و بزه تلقی نگردد اما آثار و پیامدهای حاصله ممکن است به جریان اقتصادی کشور لطمه و خلل وارد سازد، از این رو مسائل، تخلفات و جرائم اقتصادی در کشورها و همچنین ایران با تحولات جوامع در حال تغییر و پویایی است و این مهم در جرائم مالی کمتر مشهود است.

بند دوم: تدابیر خاص در مبارزه با جرائم اقتصادی

تدابیر خاص کیفری (سرعت در محاکمه، عدم رعایت تشریفات دادرسی، قطعیت، اجرای سریع، رسیدگی نهادهای خاص و... از سوی قانونگذار در برخورد با جرائم اقتصادی به گونه های مختلف تدبیر شده است و نیز تدابیر خاص پیشگیرانه و غیر کیفری از سوی نهادهای رسمی جامعه سیاست گذاری و مدیریت می شود). سازمان تعزیرات حکومتی، ستاد مبارزه با بحران اقتصادی، ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ستاد پیشگیری در امر جعل) که جملگی اختصاص به جرائم اقتصادی با چارچوب های خاص دارد و لذا این تفکیک جرائم اقتصادی از جرائم مالی لازم و قابل توجیه می نماید بویژه اینکه جرائم نوع اخیر غالباً به صورت باندى، شبکه ای و با سوء استفاده از قدرت انجام می گیرد و علی الخصوص از جرائم یقه سفیدها تلقی می شود مانند تطهیر پول، جرائم قاچاق کالا و ارز و...

بند سوم: عنصر ضرر در جرائم اقتصادی

یکی از شرایط تحقق جرائم اقتصادی ایجاد ضرر و زیان به افراد جامعه است. در صورت عدم تحقق این شرط جرم اقتصادی محقق نشده است. البته این ضرر و زیان گاهی بالفعل است مثل ضررهایی که از گران فروشی، احتکار، ربا، قاچاق کالا، استفاده از اسناد و نوشته های مجعول به جامعه وارد می شود، و گاهی بالقوه خواهد بود، مثل جعل اسکناس یا سکه یا اسناد. اعتبار

این امر برای جرائم اقتصادی در فقه اسلامی لحاظ شده است و در برخی روایات به تحقق ضرر برای وقوع جرم به صراحت اشاره می گردد. در روایتی در خصوص احتکار گفته شده است: «کل حکره یضر بالناس و تغلی السعر علیهم فلا خیر فیها» یعنی: در هر مال احتکار شده ای که به مردم ضرر برساند و موجب گرانی شود خیری در آن نمی باشد.

بند چهارم: رکن معنوی جرائم اقتصادی

حقوقدانان برای تحقق هر جرم علاوه بر وجود عنصر مادی وجود عنصر معنوی و یا روانی را شرط می دانند. معمولاً مرتکب عمل خلاف مقررات باید با سوء نیت و به قصد ارتکاب جرم انجام داده باشد در غیر اینصورت اعمال ارتكابی وی مشمول مقررات و مرتکب و عدم آن به دو دسته جرائم عمدی و غیرعمدی تقسیم می شود. در جرائم عمدی، اثبات عمد برای اعمال مجازات شرط لازم است زیرا عمد متضمن میل و تصمیم به عبارت دیگر وقتی فاعل در رسیدن به نتیجه مجرمانه است. عمدی بودن یک عمل مجرمانه ثابت می شود که مرتکب با اراده و تصمیم خود برای رسیدن به نتیجه ای که از عمل مجرمانه حاصل می شود مبادرت به آن عمل نموده باشد. برخی دیگر در خصوص جرائم اقتصادی پا را فراتر گذاشته و عقیده دارند در این گونه جرائم نیازی به عنصر روانی نیست و از این جهت با سایر جرائم متفاوت است، چون رکن معنوی در این جرائم رکن غیر قابل اعتنایی است. بنابراین نباید قصد مجرمانه را نزد فاعل آن جستجو کرد بلکه به صرف تحقق رکن مادی باید عامل را مجازات کرد گر چه قصد مجرمانه وی محرز باشد چه عمل را بر اثر اهمال کاری انجام داده باشد.

بخش سوم: تحلیل و واکاوی ارتباط نظام اقتصادی و نظام کیفری

در این مبحث رابطه نظام کیفری و نظام اقتصادی بررسی می شود و به تشریح تأثیر اقتصاد بر بزهکاری می پردازیم تا معلوم شود که آیا فقر و ثروت در پدیده بزهکاری اشخاص تأثیر دارند یا خیر؟

بند اول: تأثیر اقتصاد بر بزهکاری

فقر از قدیمی ترین عوامل شناخته شده بزهکاری است. در قرون متمادی مسأله فقر و اختلافات طبقاتی مورد توجه و بحث محافل علمی و فلسفی بوده است. راه حل ارائه شده اکثر فلاسفه و اندیشمندان، زدودن فقر و تعدیل ثروت و به تبع آن کم کردن فاصله طبقاتی و بهبود وضع معیشت طبقات فقر بوده است. منتسکیو معتقد است: «تجارت»، «دادوستد» تأثیر بزرگی در

بهبودی اخلاق ملل دارد. روح خشونت و وحشیگری را تعدیل می نماید، به طوری که در هر جا رواج دارد، اخلاق مردم آنجا ملایم است، اگر دیده می شود اخلاق ما امروز خیلی ملایم تر از اخلاق نیاکان ما می باشد و ما آن خشونت و سبیت را نداریم برای آن است که تجارت اخلاق ما را تعدیل نموده زیرا بازرگانی سبب می شود اقوام و ملل مختلف با یکدیگر آمیزش کنند و به اخلاق و روحیات یکدیگر پی برند و به این طریق تباری اخلاقی و اختلافات زندگی که در آغاز خیلی غیر مأنوس می باشد از بین می رود. سپس بازرگانی هم مذهب اخلاق و هم مفسد آن است؛ زیرا در عین حالی که در اثر آمیزش موجب تهذیب اخلاقی ملل وحشی است، باعث فساد اخلاقی ملل مذهب می شود. بنابراین برای زدودن آثار جرم از جامعه باید انگیزه های اقتصادی برای ارتکاب بزه را از بین برد و این امر فقط با تقسیم مساوی امکانات مادی محقق می شود. در رابطه با این طرز تفکر جای این سوال وجود دارد که اگر فقر تهدیدستی که نشانه بی عدالتی نظام سرمایه داری است، عامل اصلی بزهکاری است، چرا بسیاری از افراد فقیر و تهیدست گرد جرم نمی گردند و برعکس دیده می شود افراد بی نیاز به کرات مرتکب جرم می شوند؟ جهت نتیجه گیری دقیق از تأثیر اقتصاد در بزهکاری باید روند بزهکاری را در دو شرایط مختلف بررسی کرد: روند بزهکاری در بحران ها و مشکلات اقتصادی، و روند بزهکاری در دوران رونق و رواج امور اقتصادی.

بند دوم: تأثیر نظام کیفری بر نظام اقتصادی

با توجه به اینکه نظام کیفری به دنبال ارباب و سرکوبی عوامل سازنده بزهکاری است و هدف اصلی نظام کیفری، عکس العمل جامعه در مقابل متجاوزان و متخلفان است باید گفت که نظام کیفری می بایست شرایط و معیارهای اعمال کیفر را رعایت نموده تا به هدف نهایی خود که همان سرکوبی و ارباب است نائل آید. ذیلا به تشریح هدف نظام کیفری و تأثیر آن بر اقتصاد می پردازد.

بخش چهارم: تأثیر منفی نظام کیفری بر رشد اقتصادی

هر چند یکی از مهمترین اهداف نظام کیفری، جلوگیری از بزهکاری و در نتیجه مساعد نمودن جامعه برای رشد و توسعه اقتصادی است، اما یکی از پیامدهای فاسد آن، اثر منفی است که بر رشد اقتصادی می گذارد، زیرا هزینه های هنگفت و ارقام نجومی صرف اعمال سیاست های

کیفری می شود. از طرف دیگر در مواردی نظام کیفری ناخواسته و بصورت یک تالی فاسد جلوی ترقی و پیشرفت اقتصادی را می گیرد. بنابراین اثرات منفی نظام کیفری در رابطه با نظام اقتصادی در دو جهت مورد مطالعه قرار می گیرد:

اول: هزینه های نجومی اجرای قانون: در خصوص اینکه چه اعمالی باید مجرمانه تلقی شود و مبنای مجرمانه دانستن عمل چه باید باشد نظرات متعددی مطرح شده است. یکی از این نظرات بر مبنای تئوری اقتصادی جزایی پایه ریزی شده است. این تئوری عمدتاً به تصمیم فرد برای ارتکاب جرم و بعد اقتصادی و یا هزینه اجرای قانون و مجازات اربابی توجه دارد.

دوم: ممانعت از رشد اقتصادی: امنیت اساسی ترین رکن ضروری حیات اجتماعی است که به طرق مختلفی تأمین می گردد. نظام کیفری اهتمام می نماید تا امنیت لازم برای زندگی اجتماعی را فراهم نماید. اما همیشه این تئوری در عمل به واقعیت مبدل نمی گردد. موارد کثیری وجود دارد که تالی فاسد اعمال نظام کیفری در جهت مخالف هدف آن تحقق یافته است، اگر اعمال مجازات ها در ایجاد امنیت موثر واقع گردد، اعتماد و اطمینان را افزایش خواهد یافت. اما گاهی از اوقات قوانین کیفری دست و پا گیر، این اعتماد و اطمینان را سلب نموده و در نتیجه از میزان سرمایه گذاری خواهند کاست.

بند اول: تأثیر مثبت نظام کیفری بر رشد اقتصادی

هر چند پژوهش های گوناگونی که در جرم شناسی پیرامون کارآیی کیفرها و درمان ها انجام گرفته به نتایج ناامید کننده ای منتهی شده است و به موجب نتایج این تحقیقات هیچ گونه تفاوت قابل توجهی بین تدابیر کیفری مختلف در زمینه تکرار یا عدم تکرار جرم بزهکار وجود ندارد (اما گرایش های دیگری که)... مبتنی بر باز سازگار ساختن محکومین از نظر اجتماعی است در برابر تشدید بزهکاری معاصر، با توفیق چندانی همراه نبوده است. چنانکه ملاحظه می گردد، امروزه مباحث گسترده ای در موفقیت یا عدم موفقیت حقوق جزا و نظام کیفری، نظام اصلاحی کیفر و جرم شناسی مطرح شده است. در مسیر کاربرد هر یک از اینها، ابتدا این تصور حاکم شد که نظام سزادهی - اربابی با شکست مواجه شده است. سپس و بعد از اعمال نظام اصلاحی کیفر و متعاقب آن حاکمیت یافتن جرم شناسی، این تصور غلبه یافته است که

صرف نظر از دلایل توجیه کننده، امروزه مسلم شده است که جرم شناسی و نظام اصلاحی کیفر در اهداف مورد ادعای خود چندان موفق نبوده اند.

بخش پنجم: انواع جرائم اقتصادی و سیاست کیفری حاکم بر آن

بند اول: قاچاق کالا و ارز و سیر تقنینی قاچاق کالا

اولین مقرراتی که در زمینه قاچاق و مبارزه با آن در کشور ما به تصویب رسید، قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۲۹ اسفند ۱۳۱۲ بوده است. در زمان تصویب این قانون به علت اینکه قدرت خرید مردم پایین بود و سطح تقاضا و مصرف کالا زیاد نبود و به علت نبودن جاده ها و مشکلات حمل و نقل و عدم تجمل گرایی، قانون مزبور موارد عملی زیادی نداشت، قاچاق جنبه محلی داشت و به گستردگی و حجم کالاهای قاچاق امروز نمی رسید و آنچه از قانون مزبور استنباط می شود وصول حقوق و عوارض گمرکی از تجارت غیررسمی و جلوگیری از فرار در پرداخت عواید دولت و شناسایی مالیات های وصول نشده بود. دومین مقررات در مورد قاچاق کالا، فصل چهارم قانون امور گمرکی، مصوب ۱۳۳۷ و اصلاحیه آن در سال ۱۳۵۰ و آئین نامه اجرایی آن می باشد که قاچاق کالا را در حوزه گمرک بیان می نماید و حوزه عمل آن محدود می باشد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و وقوع جنگ تحمیلی و بلوکه شدن ذخیره های ارزی به وسیله امریکا، مسأله محدودیت ارزی و کنترل ارز و تأمین کسری بودجه و جیره بندی کالای اساسی در بین مردم سبب شد که سیاست تجاری و اقتصادی و ارزی ایران تغییر کند و از جمله به علت کمبود کالای تولید داخلی و نیاز شدید مردم و ایجاد بازار سیاه، سبب شد که قاچاق کالا بار دیگر ابعاد زیادتری پیدا کند و از جمله قاچاق کالای صادراتی با هدف کسب درآمد ارزی و فرار سرمایه توسعه یابد. در مرحله سوم، قانون مجازات اخلاف گران در نظام اقتصادی کشور، در تاریخ ۶۹/۹/۱۹ تصویب شد؛ در مرحله چهارم در تاریخ ۱۳۷۳/۱۱/۹ ماده یک قانون مجازات مرتکبین قاچاق اصلاح شد. و بعد از آن هم به موجب ماده واحده حدود صلاحیت دادسراها و دادگاه های انقلاب، مصوب ۱۳۶۲/۲/۱۱ رسیدگی به جرم قاچاق در صلاحیت دادگاه های انقلاب قرار گرفت.

بند دوم: رویکرد قانونگذار راجع به قاچاق کالا و ارز از منظر جرائم اقتصادی

قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۲۹ اسفند ۱۳۱۲ به انواع قاچاق، از جمله قاچاق ارز نظر دارد، به موجب ماده یک این قانون: «هر کس در مورد مالی که به موضوع عایدات دولت یا

مشتقات آن مرتکب قاچاق شود، اعم از اینکه عایدات مزبور بر طبق قانون مخصوص تصویب و یا در ضمن بودجه کل مملکتی صریحاً منظور و تصویب شده باشد، علاوه بر رد مال و در صورت نبودن عین مال رد قیمت آن به تأدیه دو برابر عایداتی که برای دولت مقرر بوده و حبس تأدیبی از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد». در این ماده ملاک و معیار مصداق قاچاق را «عایدات دولت یا مشتقات مربوط به آن» تعیین نموده است و از این رو تعیین معیار قاچاق، «اخلال در موضوع عایدات و مشتقات دولت» است. در این قانون به انواع قاچاق به طور کلی اشاره دارد: قاچاق تریاک، قاچاق اجناس دخانه، قاچاق گمرکی، قاچاق عوارض، قاچاق اسلحه و مهمات جنگی، قاچاق طلا و نقره. قابل توجه آنکه در این قانون به هیچ وجه نمی توان بررسی قاچاق کالا و ارز از منظر و رویکرد جرائم اقتصادی استنباط و استدلال نمود، مگر آنکه استدلال نماییم که هر کس در مورد مالی که موضوع عایدات دولت یا مشتقات آن است مرتکب قاچاق شود که چنین تأکیدی بیانگر آن است که قاچاق به درآمدهای حاصله دولت خلل وارد می کند و بدین ترتیب اگر چنین هدف و منظوری در تمام موارد یاد شده قانون نسبت به موضوعات قاچاق مد نظر قرار گیرد، می توانیم آن را با این وصف و مولفه در حیطه جرائم اقتصادی جای دهیم.

بند سوم: سیاست کیفری حاکم بر قاچاق کالا و ارز

همانطور که بیان شد، مقنن با تصویب قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴/۲/۱۲ به کیفر زدایی و قضا زدایی نوینی در زمینه قاچاق متوسل شده و صلاحیت انحصاری مراجع قضایی در زمینه رسیدگی به جرم قاچاق کالا را تا حدود زیادی محدود نموده است و پاسخ های کیفری به منظور مبارزه با پدیده قاچاق کالا را به دو مرحله اداری (ماهیتاً مالی) و قضایی تقسیم و تفکیک نموده است. فلذا بر اساس قانون مزبور اعلام و اجرای تعدادی از ضمانت اجرای صرفاً مجازات های مالی با خصیصه اداری در صلاحیت مقام های اداری بوده که در طی یک فرایند کیفری اداری نسبت به مرتکبین این گونه جرائم تحمیل می شوند و اعمال تعداد دیگری از این ضمانت اجراها (مجازات های تریبی) مطلقاً در صلاحیت مقام های قضایی بوده، و نهادهای اداری در تعیین و اعمال آنها فاقد هرگونه صلاحیت قانونی می باشند. بنابراین در این قسمت از پژوهش واکنش های کیفری تقنینی با

خصیصه کیفری- اداری را که مقام های اداری- اجرایی بر حسب مورد در مرحله اداری اعمال می کند مورد بررسی قرار داده و در قسمت دیگری به بررسی مجازات های تریبی که صرفاً در صلاحیت مقام های قضایی است پرداخته خواهد شد.

بخش ششم: جرائم اخلاخل گری در نظام اقتصادی کشور

این جرائم در ماده یک قانون مجازات اخلاخل گران در نظام اقتصادی کشور در چندین بند زیر ذکر شده است.

بند اول: اخلاخل در نظام پولی با نظام ارزی کشور (موضوع بند الف ق.م. اخلاخل گران در نظام اقتصادی)

این جرم از طریق قاچاق عمده ارز یا ضرب سکه قلب و با جعل عمده اسکناس و یا وارد کردن با توزیع نمودن عمده آن تحقق می شود. در خصوص قاچاق ارز و سابقه تقنینی آن می توان به ماده ۶۲ از قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸ اشاره داشت که بیان می دارد: « خرید و فروش ارز و هرگونه عملیات بانکی که موجب انتقال ارز با تعهد ارزی شود با ورود یا خروج ارز یا پول رایج کشور بدون رعایت مقرراتی که بانک مرکزی ایران به موجب ماده ۱۱ این قانون مقرر می دارد ممنوع است. متخلفین به جزای نقدی تا معادل ۵۰٪ مبلغ موضوع تخلف محکوم خواهند شد» در مورد ضرب سکه قلب و عنصر قانونی آن می توان به مواد ۵۱۸ و ۵۲۰ قانون مجازات اسلامی اشاره داشت. در خصوص جعل اسکناس و عنصر قانونی آن می توان به بند: ماده ۵۲۵ و ماده ۵۲۹ قانون مجازات اسلامی و همچنین قانون تشدید مجازات عاملین اسکناس و واردکنندگان، توزیع کنندگان و مصرف کنندگان اسکناس مجعول مصوب ۱۳۶۸/۱/۲۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام اشاره کرد. در خصوص اینکه رابطه حاکم بین مواد مذکور و قانون مجازات اخلاخل گران در نظام اقتصادی چه می باشد و چگونه می بایست این مواد در کنار هم تفاسیر شود باید بیان داشت که جعل یا وارد نمودن پا با علم به جعل مورد استفاده قرار دادن مصادیق مذکور در ماده ۲۹ و در صورتی با حکم ماده منطبق و موجب مجازات پنج تا بیست سال خواهد شد که این اعمال به قصد اخلاخل در وضع پولی با بانکی با اقتصادی با بر هم زدن نظام و یا امنیت اجتماعی و سیاسی کشور انجام شده باشد والا در صورت

عدم احراز چنین قصدی مرتکب بر اساس بنده ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی به حبس از یک تا ده سال محکوم خواهد شد. عبارت «چنانچه مفسد و محارب شناخته نشود» در ماده ۵۲۹ ابهام دارد زیرا نه در قانون مجازات اسلامی و نه در قوانین دیگر هیچ گونه ضابطه ای برای تشخیص محارب و مفسد تعیین نشده است. جعل اسکناس رایج داخلی در صورت وجود قصد مبارزه (یعنی قصد براندازی) یا عضویت در باند، مجازات محاربه را بر اساس ماده واحده قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس مصوب ۱۳۶۸ در پی خواهد داشت. نظریه مشورتی شماره ۷/۳۳۵۲ مورخ ۷۸/۵/۲ نیز بیان می دارد با عنایت به صراحت ماده واحده قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس مصوب ۱۳۹۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام، جرائم مربوط به جعل و وارد کردن و توزیع در غیر موردی که مجازات اعدام منظور شده در حوزه حاکمیت مواد ۲۵ و ۲۹ قانون مجازات اسلامی است و در مواردی که جرائم منظور با قصد مبارزه با نظام و افساد فی الارض عملی می شوند ماده بر آن حکومت دارد.

بند دوم: اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی و گرانفروشی

بند «ب» ماده یک قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی، اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی از طریق گرانفروشی کلان ارزاق، احتکار، پیش خرید فراوان تولیدات کشاورزی است.

بند سوم: اخلال در نظام تولیدی کشور

بند «ج» ماده یک قانون فوق الاشعار مقرر می دارد: «اخلال در نظام تولیدی کشور از طریق السوء استفاده عمده از فروش غیرمجاز تجهیزات فنی و مواد اولیه در بازار آزاد با تخلف از تعهدات مربوط در مورد تجهیزات فنی، یا رشاء و ارتشاء عمده در امر تولید با اخذ مجوزهای تولیدی در مواردی که موجب اختلال سیاست های تولیدی کشور شود. در خصوص سابقه تقنینی رشاء و ارتشاء در قوانین کیفری می توان به مواد ۸۹ و ۵۹۰ و ۵۹۱ قانون مجازات اسلامی و در نهایت ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب شهریور ماه ۱۳۹۶ مجلس

شورای اسلامی و تأیید مجمع تشخیص مصلحت نظام در ۶۷/۹/۱۵ اشاره داشت. بند «د» ماده یک قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی، هرگونه اقدام به قصد خارج کردن میراث فرهنگی و ثروت ملی، یا به عبارت دیگر هرگونه اقدام به قصد خارج کردن میراث فرهنگی از کشور با اقدام به خارج کردن آنها جرم محسوب و قاچاق نامیده می شود.

بند چهارم: حیف و میل اموال مردم و اموال دولتی

بند «ه» ماده یک قانون فوق الذکر مقرر می دارد: «وصول وجوه کلان به صورت سپرده اشخاص حقیقی یا حقوقی تحت عنوان مضاربه و نظایر آن که موجب حیف و میل اموال مردم با اخلال در نظام اقتصادی می شود، جرم است و مجازات مرتکب وفق ماده ۴ قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور می باشد».

بند پنجم: اقدام باندی و تشکیلاتی جهت اخلال در نظام اقتصادی کشور

این جرم موضوع بند «و» ماده یک قانون فوق الاشعار است که بیان می دارد: «اقدام باندی و تشکیلاتی جهت اخلال در نظام صادراتی کشور به هر صورت از قبیل تقلب در سپردن پیمان ارزی با تأدیه آن و تقلب در قیمت گذاری کالاهای صادراتی و... برای تحقق تشکیلات هدفمند بودن شرط است؛ یعنی با هدف واحد و یکسان است که تشکیلات و باند نام گذاری خواهد شد و هدف مذکور برای اثبات تشکیلات ضروری است. این هدف برای تشکیل باند اخلال همان هدف و قصد نهایی اخلال در نظام صادراتی باشد. آنچه بیش از هر چیز در این قانون قابل توجه است، عمده بودن میزان خسارات یا مبالغ مورد سوء استفاده می باشد. در تبصره این ماده علاوه بر تذکر به قاضی رسیدگی کننده در خصوص نحوه تشخیص عمده بودن که باید میزان خسارات وارده و مبالغ مورد سوء استفاده و نیز آثار فساد دیگری که مترتب بر عملیات اجرایی مرتکبین بوده را در نظر بگیرد، وی را در جلب نظر مرجع ذیربط مقامات رسمی و دولتی مخیر می نماید.

بخش هفتم: مجازات های مقرر برای اخلال گران در نظام اقتصادی

کیفرهای در نظر گرفته شده برای جرائم اخلال گری در نظام اقتصادی کشور عبارتند از: اعدام، حبس، شلاق، جزای نقدی، ضبط اموال، انفصال دائم و موقت. قانونگذار در تدوین

مواد ۱ و ۲ قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور مجازاتهای مرتكب پا مرتكبن را بر اساس قصد آنها تفكيك و تقسيم نموده است.

بند اول: مجازات اعدام و حبس

همانطور كه در مباحث پيشين ذكر گرديد، چنانچه مرتكب هر يك از اعمال مذكور در ماده يك قانون فوق الذكر با هدف اخلاص در نظام اقتصادي کشور انجام گيرد و يكي از قصد هاي ضربه زدن به نظام جمهوري اسلامي ايران و با مقابله با آن را داشته و يا عالم به تأثير اقدامات در مقابله با نظام باشند و به تشخيص محكمه اقدامات آنان موجب فساد في الارض باشد، مجازاتي در حد اعدام خواهند داشت و ضبط اموالي كه از طريق خلاف قانون تحصيل شده در حكم لحاظ خواهد شد. عنوان افساد في الارض در نظام حقوقي ما و حتي در فقه اسلامي يك عنوان مورد بحث و ترديد است. در اينكه آيا اين عنوان يك جرم مستقل از محاربه مي باشد و يا اينكه همان محاربه است، نه تنها بين حقوقدانان اختلاف نظر است، بلكه نظر واحدي بين فقهاء اسلامي در اين خصوص وجود ندارد. و از طرفي چنانچه افساد في الارض عنوان مستقلي باشد، تعريف مشخصي از آن در دست نيست تا محاكم بتوانند با تطبيق عمليات اجرايي با اين تعريف تشخيص دهند به حد افساد في الارض رسيده است يا نه؟ با اين توضيح، به نظر مي رسد اعمال اين كيفر (يعني اعدام) براي اين جرائم قابليت اجراء نداشته باشد، مگر قانونگذار به صراحت اعلام نمايد، اولاً افساد في الارض غير از محاربه است و ثانياً تعريف دقيقي از افساد في الارض ارائه نمايد. مجازات حبس شق دوم ماده ۲ مي باشد كه به مجازات حبس مرتكب پرداخته و مضافاً با تبصره همين ماده و تبصره ماده يك شرايط مختلفي راجع به حبس بيان مي كند.

الف- حبس در صورت عمده بودن كالاي موضوع جرم

در شق دوم قسمت اول ماده ۴ قانون موصوف، چنانچه هدف اخلاص و قصد ضربه زدن به نظام جمهوري اسلامي ايران با به قصد مقابله با آن و با علم به موثر بودن در مقابله با نظام توأم گردد، ولي نتيجه اقدامات مرتكب و قصد هاي سه گانه مذكور فساد في الارض نباشد، مرتكب به حبس از پنج تا بيست سال و ضبط اموالي كه از طريق غير مشروع تحصيل نموده محكوم خواهد شد و دادگاه علاوه بر آن به اعمال كيفر شلاق تعزيري بين بيست تا هفتاد و

چهار ضربه در انظار عمومی در این مورد مخیر است و در عین حال دادگاه ملزم است که تبصره ماده یک را که مقرر می دارد قاضی ذی صلاح برای تشخیص عمده یا کلان یا فراوان بودن موارد مذکور در هر یک از بندهای فوق الذکر علاوه بر ملحوظ نظر قرار دادن میزان خسارات وارده و مبالغ مورد سوء استفاده و آثار فسادش دیگر مترتب بر آن می تواند نظر مرجع ذی ربط جرم نشر مراجع تخصصی و کارشناسان و خبرگان ضروری به نظر می رسد (معین. محمد. فرهنگ فارسی. تهران. امیر کبیر. جلد نخست. ۱۳۸۴. ص ۶۲۲)

ب- حبس در صورت جزئی بودن کالای موضوع جرم

قسمت دوم ماده ۴ قانون فوق الذکر بجازات مواردی را که اخلال گری به صورت جزئی است، بدین نحو که با جمع شرایط مادی و معنوی اگر موضوع اخلال عمده یا کلان و یا فراوان نباشد، حبس مرتکب دو تا پنج سال خواهد بود و دادگاه ملزم است تا حکم به ضبط کلیه اموالی که از طریق خلاف به دست آمده باشد به عنوان جزای مالی را صادر نماید اما به موجب قانون الحاق یک بند و یک تبصره به ماده یک قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور و اصلاح تبصره یک ماده آن مصوب ۱۳۸۴، مجازات مواردی که موضوع اخلال عمده یا کلان و یا فراوان نباشد، کاهش یافت. تبصره یک ماده ۴ قانون موصوف مقرر می دارد: «در مواردی که اخلال موضوع هر یک از موارد مذکور در بندهای هفت گانه ماده یک حسب مورد عمده یا کلان و یا فراوان نباشد، مرتکب حسب مورد علاوه بر رد مال، به حبس از شش ماه تا سه سال و جزای نقدی معادل ۲ برابر اموالی که از طریق مذکور به دست آورده، محکوم می شود.

بند دوم: مجازات اشخاص حقوقی

در صورتی که جرائم مذکور در ماده یک را اشخاص حقوقی، اعم از دولتی یا خصوصی مرتکب شوند، تمام افرادی که در عملیات اجرایی این جرائم عالم و عامدا مباشرت با شرکت و یا به گونه ای دخالت داشته باشند، شریک در جرم محسوب خواهند شد و بر حسب اینکه اقدام آنها به قسمت اول یا دوم ماده ۲ این قانون منطبق باشد، به مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهند شد."

الف- اعدام مرتکب و ضبط اموال شخص حقوقی

قانونگذار صریحا شخص حقیقی مباشر با شریک یا دخالت کننده را قابل مجازات بدنی دانسته است، بدین مفهوم که هر کدام از اشخاص حقیقی داخل در شخصیت حقوقی که در انجام اقدامات مادی دخالت داشته و علم و عمد نیز در انجام عنصر مادی داشته اند و عمل آنان با سوء نیت عام (با هدف اخلال در نظام اقتصادی) و سوء نیت خاص (قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی، قصد مقابله با آن، علم به موثر بودن اقدام در مقابله با نظام) توأم گردد و مصادیق مفسد فی الارض نیز باشند، به مجازات اعدام محکوم خواهند شد و تفاوتی نمی کند که در چه رده ای از تصمیم گیری شخصیت حقوقی سمت و فعالیت داشته باشند.

ب- اعمال مجازات حبس برای مرتکب و ضبط مال شخص حقوقی

در صورتی که عمل مرتکب یعنی شخص حقوقی داخل در شخصیت حقوقی مشمول قسمت دوم ماده ۲ قرار گرفته باشد، مجازات حبس به او تحمیل خواهد شد که این حبس با توجه به کلان با عمده با فراوان بودن، ممکن است بین پنج تا بیست سال حبس، بعلاوه به بیست تا هفتاد و چهار ضربه شلاق در انتظار عمومی محکوم خواهد شد که در این مورد اعمال کیفر شلاق) تخیری است. در این موارد نیز ضبط اموال به شخصی برمی گردد که بر آن استیلاء یافته که ممکن است مرتکب باشد یا به شخص حقوقی انتقال یافته باشد در هر صورت به نظر می رسد که قانونگذار با تعیین مجازات ضبط اموال به گونه ای که ذکر گردید، نسبت به اموال نامشروع و خلاف قانون که انتقالی بر آن صورت گرفته، توجه داشته و به نحوی بیان نمود که اگر در زمینه تطهیر آن نیز اقدام شده و در بد دیگران قرار گرفته باشد، از قابلیت ضبط آن سخن رانده است.

پ- مجازات مسئولیتی که از جرائم ماده یک مطلع هستند و اقدامی نمایند

قانونگذار در قسمت دوم تبصره ۲ قانون موصوف، مدیران و بازرسان با مسئولین ذی ربط که در شخصیت حقوقی دخالت دارند و از اقدامات مجرمانه مزبور در ماده یک به کلی با جزئی اطلاع داشته و از جلوگیری از آن اقدامات صرف نظر و پامقامات مربوطه که قادر به جلوگیری هستند را مطلع ننماید، قابل مجازات دانسته و مجازات آنان را به عنوان معاون جرم قلمداد و قابل تعقیب و مجازات می داند. ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی نیز چنین رویه ای را در پیش

گرفته و مقرر می دارد: هر یک از روساء و مدیران و یا مسئولین سازمانها و موسسات مذکور در ماده ۵۹۸ که از وقوع جرم ارتشاء با اختلاس یا تصرف غیرقانونی با کلاهبرداری با جرائم موضوع مواد ۵۹۹ و ۹۰۳ در سازمان با موسسات تحت اداره با نظارت خود مطلع شده و مراتب را حسب مورد به مراجع صلاحیت دار قضایی با اداری اعلام نمایند، علاوه بر حبس از شش ماه تا دو سال به انفصال موقت از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد. اما به نظر می رسد که در این موارد وفق ماده ۷۲۹ قانون مجازات اسلامی، مجازات معاون جرم در نظر گرفته شود. مطابق ماده ۷۲۹ قانون مزبور، هر کس در جرائم تعزیری معاونت نماید، حسب مورد به حداقل مجازات مقرر در قانون برای همان جرم محکوم می شود. چنانچه کیفر اعدام را در این جرائم ثابت بدانیم، جای این سوال است که در این مورد مجازات معاون چیست؟ به نظر می رسد در مواردی که مجرم اصلی به اعدام محکوم می شود و یا مجازات ثابت (بدون حد اقل و حداکثر) برای مرتکب تعیین شده، با مجازات حد اقل غیرمعتدله باشد، نظر این است که باید بر اساس مفاد ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی که مجازات معاون را به نظر حاکم واگذاشته است عمل کرد.

بند سوم: مجازات شروع به جرم موضوع بندهای هفت گانه ماده یک

همانطور که اشاره شد، شروع به جرم اصولاً در قوانین موضوعه ایران پذیرفته نشده است، جز در مواردی که مقنن به جهت اهمیت و خطر پاره ای از اعمال در برخی جوامع شروع به جرم را نیز جرم تلقی نموده و برای آن کیفر تعیین نموده است. جرائم مندرج در ماده یک قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور از سری جرائمی است که شروع به جرم آنها نیز جرم تلقی گشته است. بنابراین قانونگذار شروع به جرم جرائم موضوع این قانون را جرم تلقی نموده است و برای شروع به جرم مندرج در بند اول ماده یک آن یک تا سه سال حبس و پانصد هزار تا پنج میلیون ریال جزای نقدی و برای شروع به جرائم بند های دیگر آن ماده شش ماه تا دو سال حبس و دو بیست و پنجاه هزار ریال تا دو میلیون و پانصد هزار ریال جزای نقدی و مجازات شروع به جرم موضوع تبصره یک این ماده در مواردی که مرتکب شروع به جرم اخلاص جزیی در نظام اقتصادی کشور را در بر داشته بنماید) شش ماه تا یک سال و نیم حبس و دو بیست هزار ریال تا یک میلیون ریال جزای نقدی است.

بخش هشتم: بررسی جرم پول شویی به عنوان مهمترین جرم اقتصادی در حقوق کیفری ایران

با مذاقه در اسناد بین المللی و منطقه ای تطهیر پول ملاحظه می شود که در این پیمان نامه ها از دولت ها خواسته شده نسبت به دو موضوع به صورت مجزا تدابیر قانونی اتخاذ کنند. این دو موضوع عبارتند از: تدابیر قانونی در قبال تطهیر پول و تدابیر قانونی درآمدهای مشکوک به عواید جرم. در این قسمت از بحث، هر یک به طور مستقل بررسی می شود تا پی برده شود که قانونگذار ایران چگونه به اتخاذ چنین تدبیری اندیشیده است.

بند اول: تدابیر قانونی در قبال تطهیر پول

قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی عمدتاً در رابطه با ضمان اشخاص تدوین شده است که از باب «اکل مال بباطل» ثروت هایی را تصاحب کرده اند. در صورتی که ثروت نامشروع شخص در نتیجه ارتکاب جرم حاصل شده باشد، جرم تقدم بر اساس ماده ۱۰ این قانون، مجرم به مجازات لازم محکوم می شود، ولی در مورد ارتکاب پول شویی که جرم موخر نسبت به این جرم است، تنها هرگونه نقل و انتقال اموال موضوع اصل ۴۹ قانون اساسی به منظور فرار از مقررات قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ جرم تلقی شده و طبق ماده ۱۱۴ قانون اساسی انتقال دهنده و نیز انتقال گیرنده در صورت اطلاع به مجازات کلاهبرداری محکوم خواهند شد. قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی اگر چه نسبت به برخی از مظاهر پول شویی قابل اجراست، ولی تمام مصادیق جرم کرده و قابل مجازات دانسته اند اما متأسفانه علی رغم ارتکاب این فعالیتها به صورت گسترده در ایران، به گونه ای که این کشور را به یکی از مراکز تطهیر پول تبدیل کرده است، هنوز در قوانین کیفری آن تدابیر چشمگیر با عنوان مبارزه با پول شویی توسط قانونگذار پیش بینی نشده است. البته مبارزه با جرم پول شویی به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی در جلسه مورخه ۸۱/۶/۲۷ هیأت وزیران با قید پک فوریت به تصویب رسیده است که بارها مورد تجدید نظر و اصلاح قرار گرفته است و در مباحث بعدی راجع به لایحه مزبور توضیح بیشتری داده خواهد شد. این در حالی است که اصل ۴۹ قانون اساسی مصوب

۱۳۵۸ بر لزوم مصادره درآمدهای نامشروع تأکید ورزیده و در این راستا قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ در سال ۱۳۶۳ به تصویب قانونگذار رسیده است.

بند دوم: تدابیر قانونی در قبال درآمدهای مظنون به عواید جرم

یکی از اصول پذیرفته شده در حقوق کیفری ایران «اصل براءت» یا «فرض براءت» است. اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر اساس این اصل در صورت تردید به ارتکاب جرمی، شخص متهم بری و بی گناه است مگر آنکه با اثبات عناصر مادی و معنوی جرم توسط دادستان و یا شاکی جرم ارتكابی ثابت شود. بنابراین اصل براءت در موارد شک و ظن مقتضی بی گناهی متهم است و در ارتباط با درآمدهای مظنون به عواید جرم، مقتضای اصل براءت، پاکی و سلامت منشأ این درآمدهاست، مگر آنکه ناسلامتی آنها ثابت شود.

بند سوم: سیاست کیفری ایران در قبال تطهیر پول

اگر چه لایحه مبارزه با پول شویی هنوز در پیچ و خم مجاری تقنینی به سر می برد و علی رغم تذکرات داخلی و بین المللی، اراده ای قوی برای تصویب این قانون وجود ندارد، لذا به ناچار به بررسی سیاست گذاری های مقنن در لایحه مبارزه با پول شویی پرداخته می شود:

قانونگذار ایران در لایحه مبارزه با پول شویی برای مرتکبین این گونه جرائم پاسخ های کیفری ناچیزی در نظر گرفته که نه تنها نوعی پیشگیری کیفری محسوب نمی شود و چاره ساز نیست، بلکه ناچیز بودن میزان کیفر موجب ایجاد انگیزه در گسترش پول شویی می شود.

وفق ماده ۷ قانون مبارزه با پول شویی: (مصوب ۸۳/۲/۶ مجلس شورای اسلامی) مرتکبین جرم پول شویی علاوه بر استرداد در آمد و عواید حاصل از ارتکاب جرم مشتمل بر اصل و منافع حاصله به جزای نقدی به میزان یک چهارم عواید حاصل از جرم محکوم می شوند. همچنین در صورت فقدان اصل و منافع حاصله، به استرداد مثل یا قیمت آن محکوم خواهند شد. و همینطور در تبصره یک ماده ۷ مقرر گشته: چنانچه عواید حاصل به اموال دیگری تبدیل یا تغییر یافته باشد، همان اموال ضبط خواهد شد. به نظر می رسد اعمال یک چهارم جزای نقدی به عنوان مجازات، مشوق بزرگی برای متخلفان باشد، زیرا در صورت به دام افتادن، پرداخت این مبلغ برای مجرمان رقم بالایی نخواهد بود و تا جایی که مطلوبیت حاصل از فساد بالاتر از جرم باشد، مفسدان در ادامه راهشان مستحکم تر خواهند بود. علاوه بر موارد

فوق، تبصره ۳ ماده ۷ مقرر می دارد: مرتکبین جرم منشأ، در صورت ارتکاب جرم پول شویی علاوه بر مجازات های مقرر مربوط به جرم ارتكابی به مجازات های پیش بینی شده در این قانون محکوم خواهند شد. قانونگذار با تدوین این تبصره در مقام بیان این مطلب است که مجازات های منشأ جرائم ارتكابی مانند قاچاق کالا و ارز، قاچاق مواد مخدر، اختلاس، ارتشاء و... همچنان به قوت خود باقی است؛ چرا که جرم پول شویی جرمی است مستقل و دارای مجازات مستقل.

نتیجه گیری

نهایتاً در نتیجه گیری پایانی پژوهش حاضر باید گفت در تعریف جرم اقتصادی آمده است جرم اقتصادی به هر گونه فعل یا ترک فعلی اطلاق می گردد که به قصد ضربه زدن به ارزش های اقتصادی موجب اخلال در نظام اقتصادی کشور گردد. به نظر می رسد نخستین تدبیر جدی و اساسی جمهوری اسلامی ایران در مقابله با مفسد اقتصادی در قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ عینیت می یابد؛ چنانچه وفق قانون مزبور اهم جرائم اقتصادی که موجب اخلال در نظام اقتصادی کشور می گردد عبارتند از:

- اخلال در نظام پولی یا ارزی کشور از طریق قاچاق عمده ارز یا ضرب سکه، قلب یا جعل اسکناس یا وارد کردن یا توزیع نمودن عمده آنها اعم از داخلی و خارجی و امثال آن اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی از طریق گران فروشی کلان ارزاق یا سایر نیازمندی های عمومی و احتکار عمده - ارزاق یا نیازمندی های مزبور و پیش خرید فراوان تولیدات کشاورزی و سایر تولیدات مورد نیاز عامه و امثال آنها به منظور ایجاد انحصار و کمبود در عرضه آنها.

- اخلال در نظام تولیدی کشور از طریق سوء استفاده عمده از فروش غیر مجاز تجهیزات فنی و مواد اولیه در بازار آزاد یا تخلف از تعهدات مربوط به آن و یا رشاء و ارتشاء عمده در امر تولید و یا اخذ مجوزهای تولیدی در مواردی که موجب اختلال در سیاست های تولید کشور شود و امثال آن. آنچه در سیاست کیفری ایران نسبت به جرائم اقتصادی می توان بیان کرد که مقنن در اتخاذ سیاست کیفری جهت مقابله با وقوع و تکرار جرائم مذکور ابزارهای غیر کیفری را مدنظر داشته است به عنوان مثال در ردیف مجازاتهای مرتکبین اخلال در امر توزیع مایحتاج

عمومی (احتکار) دیدیم که قانونگذار در خصوص اعمال کیفر در احتکار مجازاتهایی مثل لغو پروانه کسب، قیمت گذاری، عرضه کالای احتکاری توسط دولت و... را جایگزین مجازاتهایی سنتی شلاق، حبس، جزای نقدی و... نموده است که این گونه واکنش ها در پاسخ به مرتکبین اینگونه جرائم کار آمد نبوده و نمی باشد. مضافاً آنکه در بررسی بزه قاچاق کالا و ارز و اتخاذ سیاست کیفری قانونگذار ایرانی دیدیم که مبارزه فیزیکی دستگاه قضایی در برخورد با مجرمین و قاچاقچیان کالا از طریق اجراء و استفاده از قوانین ناکارآمد و بعضاً خلأ قانونی در این راه به نوبه خود عدم کارائی مقابله قضایی با پدیده قاچاق را به حداقل و به خوبی نشان می دهد که قوانین و مقرراتی که اخیراً در این خصوص وضع گردیده اند ساز و کار مناسبی برای مقابله با پدیده نگران کننده قاچاق کالا و ارز نبوده و تاثیر چندانی در کاهش روند رو به افزایش آمار جرائم قاچاق کالا و ارز به همراه نداشته است. بنابراین روز آمد کردن این قوانین و مقررات از طریق اتخاذ سیاست کیفری منطقی و هدفمند به عنوان بعدی از ابعاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز امری ضروری و حیاتی به نظر می رسد و به عنوان یکی از برنامه های راهبردی می تواند مطرح گردد. و اگر چه بکار گیری ابزارهای غیر کیفری در مقابله با این جرائم جایگاه خاصی نداشته و برخورد قانونگذار عمدتاً مبتنی بر تدابیر کیفری و ابزارهای قهر آمیز می باشد اما تدابیر کیفری اتخاذی چاره ساز و راهکارهای سنجیده و متناسبی به منظور مقابله و پیشگیری از وقوع جرائم نمی باشد و روز به روز شاهد وقوع جرائم بیشتری هستیم. و در سایر جرائم عمده اقتصادی (قلب سکه، جعل، اختلاس، ارتشاء) که در این پژوهش بررسی گردیده اند نیز ملاحظه می شود که سیاستگذاری مقنن بیشتر برپایه تدابیر قهر آمیز و سرکوبگر کیفری یا به تعبیر دیگر همان مجازاتهای معروف حقوق جزا استوار است و نباید از نظر دور داشت که صرف وضع قوانین و مقررات کیفری در قانون جزا دارای جنبه پیشگیرانه است. به بیان دیگر، قانونگذار قوانین کیفری را به امید ارعاب و در نتیجه پیشگیری از ارتکاب جرائم افراد جامعه وضع می کنند. بدین سان باید گفت: جهت جلوگیری از پیشگیری از وقوع کثیری از جرایم اقتصادی عمده نیاز به اتخاذ تدابیر و وضع قوانین شایسته داریم. از عوامل موثر در بازدارندگی اشخاص از ارتکاب جرم، رسیدگی فوری به جرایم است، بخصوص در جرایم اقتصادی که جو جامعه متأثر از وقوع آن است. بنابراین حذف تشریفات

رسیدگی در آن می تواند در عبرت دیگران و پیشگیری از وقوع این بزه ها و التیام بخشیدن به اثرات روانی بوجود آمده از آن موثر واقع شود. معمولاً توسعه و گسترش جرائم متأثر از عواملی هستند. و از طرفی با بررسی قانون مجازات ۱۳۹۲ به نظر می رسد که سیاست کیفری ایران در قبال جرایم اقتصادی هرچند تغییرات داشته اما کافی نبوده است و این قانون تعریفی جامع و مانع در احصاء مصادیق ارائه نداده است. بنابراین سیاست کیفری ایران در جهت کاهش جرایم اقتصادی به درستی تبیین نشده است. اما لازم به ذکر است تبیین جهت گیری سیاست کیفری که در کشور اجرا می شود؛ (این سیاست با درخواست رئیس قوه قضائیه سابق از مقام معظم رهبری در خصوص برخورد کیفری قاطعانه با مفسدان اقتصادی در تاریخ ۱۳۹۷/۰۵/۲۰ از طرف رهبری تایید شده است) وارد گام تازه ایی شده است و به تعبیری هدف بسیار سخت گیرانه برای فرآیند های سیاست کیفری تلقی می گردد و رویکرد قضایی به مقابله ی شدید کیفری با این موضوع می پردازد.

* پیشنهادها

در ریشه یابی گسترش جرائم اقتصادی و مفساد مالی و اقتصادی می توان به عوامل زیر توجه نمود:

- ۱- عدم تناسب مجازات با جرم در جرائم اقتصادی
- ۲- عدم نگرش یکسان قانون به همه متخلفان و در نتیجه در امان ماندن متخلفانی که از قدرت نفوذ و پشتیبانی کافی برای فرار از مجازات برخوردارند و همین عده هستند که تخلفات بزرگ اقتصادی و مالی را انجام می دهند
- ۳- سرایت نگرش سوء استفاده گرانه از برخی متخلفان که در لباس مسئولان هستند، به سطوح عمومی جامعه و رواج تفکر « ره صد ساله را یک شبه رفتن » در آحاد جامعه.
- ۴- فعالیت اقتصادی برخی از دستگاههای دولتی که وظیفه اصلی آنها فعالیت های غیر اقتصادی است.
- ۵- فقدان یک سیستم خود کنترل در نظام اقتصادی کشور که آغاز تخلفات اقتصادی و مالی را به موقع گزارش کند.

۶- تنگی شدید معیشت برای عده ای از افراد جامعه و (کارکنان اداری) که در برخی موارد به نادیده انگاشتن مقررات از سوی ایشان در قبال بهره مندی های اندک مالی در قبال کسب ثروت های هنگفت برای متخلفان اصلی می انجامد.

۷- در اولویت قراردادن نظارت مالی به عنوان ابزاری موثر در پیشگیری از وقوع جرایم اقتصادی

۸- تقویت سازوکارهای مقابله با پولشویی و جرایم سازمان یافته

در پایان باید خاطرنشان کرد که پیشگیری و مقابله با جرایم و مفاسد اقتصادی در هر کشور مستلزم شناخت دقیق زمینه های بروز آن ها و بررسی علل وریشه های آن در کشور است. و مقنن می بایست به منظور مقابله با جرایم اقتصادی قبل از هر چیز تعریف جامع و مانعی از جرم اقتصادی ارائه نماید و مصادیق آن را به طور کامل ارائه و سپس اقدام به تدوین قانون جامع جرایم اقتصادی نماید که این امر از ضروری ترین نیازهای جامعه در جهت مقابله با جرایم اقتصادی به شمار می رود البته باید سعی شود پیشگیری را مقدم بر درمان بدانیم.

منابع و مأخذ

۱. جعفری مسلم مجتبی، آقابابایی، عظیم، «جرم اخلال گران در نظام اقتصادی در قانون اخلالگران در نظام اقتصادی کشور و ماده ۲۸۹ قانون مجازات اسلامی»، نشریه علمی پژوهش های حقوقی، دوره بیستم، شماره چهل و هفت ۱۴۰۰.
۲. سبزه علی، راضیه، صرامی، سمیه اشرافی، محمود، «پیشگیری از جرایم مالی و دارا شدن بلاجهت مقامات دولتی»، مجله پژوهش های حقوقی، دوره بیستم، شماره چهل و پنج ۱۴۰۰.
۳. میرمحمدصادقی، حسین، حقوق کیفری اختصاصی (۲) جرایم علیه اموال و مالکیت، نشر میزان ۱۳۹۸.
۴. نبوی اصل، یوسف «تحلیل سیاسی جنایی قانونگذار در کنترل جرایم اقتصادی» فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، دوره هفتم شماره یک ۱۴۰۰.
۵. نجفی، سینا، «رویکرد قانون مجازات اسلامی به فساد اقتصادی در نظام پولی و بانکی کشور»، فصلنامه مطالعات نوین بانکی، دوره دوم، شماره چهار، ۱۳۹۸.
۶. عالی پور، حسن، تقریرات حقوق کیفری، پردیس فارابی دانشگاه تهران ۱۳۹۶.
۷. مبانی فقهی سیاستگذاری کیفری در حوزه اقتصاد، نویسنده: مومنی، هادی؛ محمدجعفر؛ نویسنده مسئول: روح الامینی، محمود، مجله: مطالعات فقه اقتصادی، تابستان ۱۴۰۱ دوره چهارم
۸. مبانی فقهی سیاستگذاری کیفری در حوزه اقتصادی، نویسنده مسئول: خوانین زاده حسین؛ نویسنده: بهشتی، اکرم؛ ۱۴۰۱
۹. رویکرد حقوق جزا در روند کاهش جرایم اقتصادی، نویسنده: شمعانی، محمد؛ همایش پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران دوره ۱۴۰۰/۱۲/۱۹
۱۰. اثرات منفی و زینار جرم پولشویی بر ارکان مالی و اقتصادی کشور و پیامدهای مخرب آن؛ نویسنده شعبانی کنشتی، علی؛ مجله قانون یار زمستان ۱۴۰۰ سال پنجم شماره ۲۰
۱۱. بررسی جرایم مجرمین یقه سفیدها در حقوق ایران و اسناد بین المللی: نویسنده: قیاسی فر، حمید؛ مجله فقه و حقوق معاصر پاییز ۱۴۰۰ سال هفتم

۱۲. کتب مهدوی پور، اعظم، تعقیب و تحقیق جرایم اقتصادی؛ روش ها و ویژگی ها، چاپ دوم، انتشارات میزان، تهران، ۱۳۹۲
۱۳. مقالات قورچی بیگی، مجید، تحلیل کیفی از بزهکاری یقه سفیدها: فهم زمینه ها و انگیزه ها، مسائل اجتماعی ایران، سال دهم، شماره ۱، ۱۳۹۸
۱۴. پاسخ های کیفری عوام گرایانه به مفاسد اقتصادی، (دایره المعارف علوم جنایی) (مجموعه مقاله های تازه های علوم جنایی)، چاپ دوم، نشر میزان، ۱۳۹۲
۱۵. گسن، رمون، جرم شناسی بزهکاری اقتصادی (نظریه عمومی تزویر)، تحقیق و ترجمه: شهرام ابراهیمی، چاپ دوم، نشر میزان، تهران، ۱۳۹۲
۱۶. محسنی، فرید، جرم شناسی، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۴
۱۷. محسنی، فرید، نظریه های جرم شناسی، چاپ اول، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۳۹۷
۱۸. حاجی ده آبادی، محمدعلی، جامعه شناسی جنایی، انتشارات مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، چاپ ششم، ۱۳۹۸
۱۹. قورچی بیگی، مجید، جرم شناسی جرایم اقتصادی، چاپ اول، انتشارات دادگستر، ۱۳۹۴
۲۰. مرجانی، مهدی و میرعباسی، سیدباقر، پیشگیری غیر کیفری از جرایم اقتصادی در کنوانسیون مریدا، نشریه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۴۴، ۱۳۹۹
۲۱. ساکی، محمدرضا، حقوق کیفری اقتصادی، چاپ چهارم، انتشارات جنگل، ۱۳۹۶
۲۲. حسنی، جعفر، مهرا، نسرین، نقدی بر مفهوم جرم اقتصادی در قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، دوره ۲، شماره ۲ و ۳، ۱۳۹۴
۲۳. میرطاهری، سیدرضا، جایگاه حسابگری در پیشگیری از جرایم اقتصادی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد صفادشت، ۱۳۹۷
۲۴. ناموری محمدحسینی، نوشین، بررسی محدودیت های قانونی کنترل جرایم اقتصادی در حقوق ایران، دانشگاه تبریز، ۱۳۹۶

